خراسان
WWW.KHORASANNEWS.COM
پنج شنبه، ۲۹ آذر ۱۴۰۳ • ۱۷ جمادی الثانی ۱۴۴۶
شماره ۲۱۶۶۲ • ۱۹ دسامبر ۲۰۲۴

ناگهان شعر

حافظ شیرازی

شعر اول:

بلبلی برگِ گُلی خوش رنگ در منقار داشت
و اندر آن برگ و نوا خوش ناله‌های زار داشت
گفتمش در عین وصل، این ناله و فریاد چیست؟
گفت ما را جلوه معشوق در این کار داشت
یار اگر ننشست با ما نیست جای اعتراض
پادشاهی کامران بود، از گدایی عار داشت
در نمی گیرد نیاز و ناز ما با حُسنِ دوست
خُرَّم آن کز نازنینان، بختِ برخوردار داشت
خیز تا بر کِلکِ آن نقاش، جان افشان کنیم
کاین همه نقشِ عجب در گردشِ پرگار داشت
گر مرید راهِ عشقی فکرِ بدنامی مکن
شیخِ صنعان خرقه رهنِ خانه خَمّار داشت
وقتِ آن شیرین قلندر خوش که در اَطوارِ سیر
ذکرِ تسبیحِ مَلَک در حلقه زُنّار داشت
چشمِ حافظ زیرِ بامِ قصرِ آن حوری سرشت
شیوه جَنّاتُ تَجری تَحتِهَا الاَنهار داشت

شعر دوم:

کسی که حُسن و خَطِ دوست در نظر دارد
محقق است که او حاصل بصر دارد
چو خامه در رهِ فرمانِ او، سرِ طاعت
نهاده‌ایم مگر او به تیغ بردارد
کسی به وصلِ تو چون شمع یافت پروانه
که زیرِ تیغِ تو هر دم سری دگر دارد
به پای بوسِ تو دستِ کسی رسید که او
چو آستانه بدین در، همیشه سر دارد
ز زهد خشک ملولم، کجاست باده ناب؟
که بوی باده مدامم دماغ تر دارد
ز باده هیچت اگر نیست، این نه بس که تو را
دمی ز وسوسه عقل بی خبر دارد؟
کسی که از رهِ تقوا قدم برون ننهاد
به عزمِ میکده اکنون رهِ سفر دارد
دلِ شکسته حافظ به خاک خواهد برد
چو لاله، داغ هوایی، که بر جگر دارد

گفت و گوی خراسان با شاه منصور شاه میرزا و محمد کاظم کاظمی، استادان ادب فارسی از تاجیکستان و افغانستان

یلدای فارسی زبانان؛ از شب حافظ و فردوسی تا کابوس شبانه طالبان

محمد بهبودی نیا
calture@khorasannews.com

در زمان‌های دور، یعنی زمانی که گستره زبان فارسی از چین و ماچین تا دریاهای دور را شامل می‌شد و هنوز پای تلفن‌های همراه و نرم‌افزارهای قصه‌گو به زندگی آدم‌ها باز نشده بود، خیلی از فارسی‌زبان‌ها در زمستان‌های سرد «یلدا» زیر کرسی می‌نشسته اند و مقدار زیادی میوه‌های خشک شده را توی یک سینی بزرگ می‌ریختند و می گذاشته اند وسط کرسی . بوی زغال منقل کرسی و صدای مادر بزرگ و پدربزرگ‌ها فضای اتاق را پر می‌کرده است. از برق و این چیزها هم خبری نبوده. فقط یک گردسوز کوچک روشنی بخش اتاق ها بوده و تمام. اما حالا دیگر از این چیزها خبری نیست و تعداد زیادی از مادرها و پدرها نه قصه‌های شاهنامه را می‌دانند و نه هزار و یک شب را که برای بچه هایشان تعریف کنند. بچه‌ها هم ترجیح می‌دهند بنشینند پای تلویزیون و تلفن همراه .به مناسبت فرا رسیدن یلدا، سراغ محمد کاظم کاظمی و شاه منصور شاه‌میرزا، دو تن از پژوهشگران زبان و ادب فارسی رفته‌ایم تا از خاطرات دیروز و امروزشان از شب یلدا در کشورهای افغانستان و تاجیکستان بپرسیم و درباره شباهت‌ها و تفاوت‌های بزرگداشت این شب فرهنگی در ایران ،افغانستان وتاجیکستان بشنویم.

یلدای فراموش شده

محمد کاظم کاظمی، شاعر و پژوهشگر ادبی اهل افغانستان، در گفت و گو با ما از زاویه‌ای متفاوت به بزرگداشت یلدا در افغانستان پرداخت و گفت: «اگر چه سال‌های دور، مراسم یلدا در افغانستان بیشتر در شهر هرات و برخی شهرها که فرهنگشان به ایران نزدیک تر بود، رواج داشت؛ اما در سال های اخیر با فراگیر شدن رسانه‌های خبری رسومی مانند یلدا و نوروز، به چند دلیل بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. اگر چه مردم افغانستان همچنان با موانعی در زمینه برگزاری این مراسم مواجه اند.»

وی افزود: «با رواج رسانه های دیجیتال و کاغذی و... امروز ماجرا متفاوت شده است و مردم افغانستان متوجه این امر مهم شده اند که «یلدا» یک برنامه فرهنگی و هویتی است و به همین دلیل گستره وسیعی از افغانستان به محل برگزاری این جشن تبدیل شده است. بعد از آگاهی بخشی رسانه ها مردم وقتی دیدند این مراسم از طرف دستگاه‌های حاکمیتی افغانستان جدی گرفته نمی‌شود، احساس مطالبه گری فرهنگی در وجودشان زنده‌تر شد و برای مقابله با این نوع رفتار حکومتی و به منظور تقویت بنیان فرهنگی افغانستان به گرامی داشت این مراسم روی آوردند.»

یلدا؛ ابزار مقاومت فرهنگی در افغانستان

کاظمی تصریح کرد: «از حکومت‌های مختلف در افغانستان (به ویژه در سه سال اخیر و از زمان روی کار آمدن حکومت طالبان)، به دلیل این که با فرهنگ مشترک ایران و افغانستان رابطه خوبی نداشته و ندارند، شاهد اقدامات جلوگیرانه ای هستیم. مسئولانی که از آن ها سخن به میان آوردیم نه خیلی راغب بودند که زبان فارسی در افغانستان پاس داشته شود و نه رسومی مانند یلدا و نوروز و.... این نوع رفتارها علیه مراسم‌های فرهنگی این چنینی در دوران طالبان، پررنگ‌تر شده است. حکومت طالبان با رسوم باستانی افغانستان میانه خوبی نداشته، به ویژه رسومی که در ایران نیز مشترک است. برخی افراد نزدیک به طالبان حتی بزرگداشت نوروز را محکوم و تحریم می کنند. در حال حاضر نیز برای مقابله با بزرگداشت «یلدا» و دیگر مراسم ها در افغانستان چنین افکاری وجود دارد و سعی می کنند این رسوم ملی را تحریم کنند. با این حال، مردم چه در داخل و چه خارج از افغانستان در حال مقاومت فرهنگی با این اقدام هستند. البته مراسم‌های مربوط به «یلدا» میان مهاجران افغانستانی با شور و حال بیشتری برگزار می‌شود.»

این شاعر برجسته افغانستانی بیان کرد: «با توجه به مواردی که به آن اشاره شد، یلدا در افغانستان امروز وارد فاز جدیدی شده که از گرامی داشت یک سنت باستانی، تبدیل به ابزاری برای مقاومت و حفظ هویت فرهنگی شده است.»

«چلّه» در تاجیکستان

شاه منصور شاه میرزا، شاعر، نویسنده و کارشناس میز فرهنگی تاجیکستان در موسسه فرهنگی اکو نیز در گفت و گو با خراسان ضمن اشاره به دورهمی های «یلدا» در تاجیکستان گفت: «این شب در تاجیکستان به نام «شب چله» هم معروف است.»

وی ضمن اشاره به خاطرات دوران کودکی که شیرین‌ترین شب‌ها را در یلدا تجربه کرده ،گفت: «یادم می‌آید حدود ۴۰ سال پیش، مادربزرگ‌های ما برای نوه‌ها و فرزندانشان افسانه می گفتند اما امروز خبری از این افسانه گویی ها نیست. در این شب همه دور هم جمع می‌شدند. پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها کانون داستان‌ها و شعرهای فولکلور بودند و افسانه‌هایی را تعریف می کردند. به جرئت می‌توان گفت افسانه‌های نهفته در گنج خانه ذهن مادربزرگ‌ها و پدربزرگ‌ها در آن زمان دانشگاه بزرگی از ادبیات بود.»

شاه میرزا افزود: «کودکان آن زمان با این افسانه‌ها و داستان‌ها خو می گرفتند و بزرگ می‌شدند. بعدها آن‌ها خودآگاه و ناخودآگاه پند و اندرز را در زندگی شان به کار می‌بستند. بیشتر، داستان‌ها و قصه‌هایی از هزار و یک شب و... گفته می‌شد که مانند یاقوتی در طول چند قرن تراش خورده بود و سینه به سینه نقل می‌شد. پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های ما در آن زمان قصه‌ها را متناسب با وضعیت روز انتخاب و با صدای دلنشین شان برای ما تعریف می کردند. قصه «بابا عدنان دلباز» یکی از این داستان‌هایی است که من آن زمان ها شنیده‌ام و هنوز آن را به یاد دارم.»

فردوسی، سعدی، خیام و حافظ مهمان یلدای تاجیک ها

مادربزرگ سواد خواندن نداشت، اما داستان‌های زیادی از هزار و یک شب و شعرهای زیادی از شاهنامه فردوسی، خیام، حافظ و تا حدودی سعدی و مولانا را بارها و بارها شنیده و حفظ شده بود و برای ما می‌خواند. در این میان شاهنامه جایگاه ویژه‌ای داشت و داستان رستم و سهراب، بیژن و منیژه، زال و سیمرغ، نُقل محفل ما بود. مادربزرگم سعی می کرد پند و اندرز هر داستان را از دل آن بیرون بکشد و برای ما معنی نمادها را بگوید. مثلاً وقتی به داستان سیمرغ شاهنامه می‌رسید، درباره پر سیمرغ می گفت که آن پر به معنی دانایی است که در سختی‌های زندگی به یاری انسان می‌آید. ما با شنیدن این داستان‌های زیبا به این باور می‌رسیدیم که دانش نجات‌دهنده انسان است و ارزش علم را به صورت غیرمستقیم به این شکل به ما می‌آموختند.»

این پژوهشگر ادبی تصریح کرد: «ثمره نشست‌های شب چله علاوه بر داستان گویی، چیستان گویی نیز بود که با این روش ذهن ما را از همان کودکی با پویایی و جست وجو آشنا می کرد. وی گفت: مادربزرگم اگر چه سواد چندانی نداشت، اما شعرهایی می‌نوشت و بنده الفبای شعر و شاعری را از همین شب‌های چله و زیر نظر مادربزرگم آموختم. در پایان این گفت وگو، یکی از شعرهایی را که به مناسبت این شب سروده‌ام به تمامی فارسی‌زبانان سراسر دنیا که همچنان یلدا را گرامی می‌دارند، تقدیم می کنم.

همین نَفَس که کنارِ هَمیم، ایدون باد!
در این دقایقِ خوش بی‌غمیم، ایدون باد!
به دورِ سفره‌ی یلدا، شب تولد مهر
به پاسِ هر نفسی خُرمیم، ایدون باد!
و شب‌نشینی ما اتحاد باورهاست
کنارِ هم چقَدر مُحکمیم، ایدون باد!
سَری به پای کَسی خم نمی کنیم، اما
به پیش پای شما سَر خَمیم، ایدون باد!
خوشا درایتِ خواجه، عزیز شیرازی
به دست، باده ی جامِ جَمیم، ایدون باد!
به مرزها، به تمامِ حصارها گویید
که ما همیشه کنارِ همیم! ایدون باد!

شخصیت های خاکستری در آثار «کوندرا»

نگاهی به آثار نویسنده خلاق اهل «چک»

حیدر کاسبی
calture@khorasannews.com

چگونه بار هستی را به دوش می کشیم؟
آیا سنگینی بار هول انگیز و سبکی آن دلپذیر است؟
این دو جمله از متن کتاب «بار هستی» گرفته شده است. همین دو جمله کافی است تا متوجه فلسفی بودن یک کتاب شویم. به راستی فلسفه به چه کار انسان می‌آید و اصلاً آیا کسی هست که بتواند فلسفه هستی را در یک جمله شرح دهد؟ شاید سوال های زیادی نزد ادبا، شعرا و فلاسفه بی‌پاسخ مانده باشد مثل این که «از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود / به کجا می‌روم آخر ننمایی وطنم».
اما همچنان انسان در پی یافتن راهی برای رسیدن به آرامش است که اگر این چنین نبود مولانا در ادامه همین شعر نمی گفت: «مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک / چند روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم.»

پرسشگری در هنر

میلان کوندرا از آن دسته از نویسندگانی است که اسمش به تنهایی کافی است تا کتاب‌هایش به چاپ چندم برسند و ناشران برای انتشار آثارش پیش دستی کنند. جهان منحصر به فرد کوندرا در «بار هستی» و «آهستگی» چنان جذاب است که نه تنها خوانندگان زیادی را مجذوب، بلکه منتقدان ادبی را نیز مجبور کرد تا از نویسنده‌ای سخن بگویند که دریچه‌های تازه‌ای در ادبیات به روی مخاطبان می گشاید.
یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کوندرا به عنوان نویسنده ،پرسشگری است. او هرگز در پی پاسخ دادن به مخاطبش نیست و همواره با سوال های پی در پی شنوندگانش را به شکل بی‌رحمانه‌ای تنها می گذارد. اصلاً یکی از ویژگی‌های هنر همین است و می گویند هنر وظیفه جواب دادن به مخاطب را ندارد، بلکه وظیفه هنر ایجاد سوال است. در کتاب «بار هستی» هم نویسنده تا دلتان بخواهد سوال هایی را مطرح می کند که جواب‌های چندان روشنی ندارند:
چگونه می‌شود به لحظه‌ای که درد بیهوده می‌شود پی برد؟
چگونه آن لحظه‌ای را که زندگی دیگر ارزش ندارد، می‌توان تشخیص داد؟
کدام یک را باید انتخاب کرد: سنگینی یا سبکی؟
آدمی هرگز از آن چه باید بخواهد آگاهی ندارد.

ریتم کند اما آرام بخش

طبیعی است که ریتم کتاب با توجه به موضوع آن کند و آرام باشد، اما این کندی و آرام پیش رفتن کتاب نه تنها آزاردهنده نیست، که به خوانش آن کمک هم می کند. به هر جهت مخاطبی که تصمیم گرفته چنین کتابی با چنین موضوعی را بخواند، حتماً مخاطب خاصی است و این ویژگی کتاب را دوست دارد. حتی سرگیجه‌ای که از این ریتم کند و سوالات بی‌پاسخ ممکن است نصیب مخاطب شود، مثل یک خلسه طولانی است و اگر لذت‌بخش نباشد، دست کم تا حدودی آرام‌بخش است:
در زندگی با همه چیز برای نخستین بار برخورد می کنیم، مثل هنرپیشه‌ای که برای نخستین بار وارد صحنه می‌شود. اما اگر نخستین تمرین زندگی، خدا زندگی باشد، آن وقت برای زندگی چه ارزشی می‌توان قائل شد؟

میلان کوندرا در داستان‌هایش به هیچ وجه شخصیت‌های سیاه یا سفیدی خلق نمی‌کند. او همیشه جایی را برای تعلیق و قضاوت مخاطب باقی می‌گذارد و به اصطلاح نمی‌خواهد همه چیز را به شکل مطلق و قطعی روشن کند

خلق کاراکترهای خاکستری

میلان کوندرا در داستان‌هایش به هیچ وجه شخصیت‌های سیاه یا سفیدی خلق نمی کند. او همیشه جایی را برای تعلیق و قضاوت مخاطب باقی می گذارد و به اصطلاح نمی خواهد همه چیز را به شکل مطلق و قطعی روشن کند. شخصیت‌های او همیشه پر از سوال و گاه علامت تعجب‌اند. شاید کوندرا در ویرایش کتاب‌های خود از بیشترین علامتی که استفاده می کند، همین علامت سوال و بعد از آن علامت استفهام باشد. از نگاه میلان کوندرا مفهوم خوب و بد تعریف‌های خاص خودشان را دارد و بیشتر از آن که تعاریف قراردادی و قطعی داشته باشند، نسبی‌اند. از مهم‌ترین کتاب‌های کوندرا می‌توان به «شوخی»، «خنده و فراموشی» و «آهستگی» اشاره کرد.

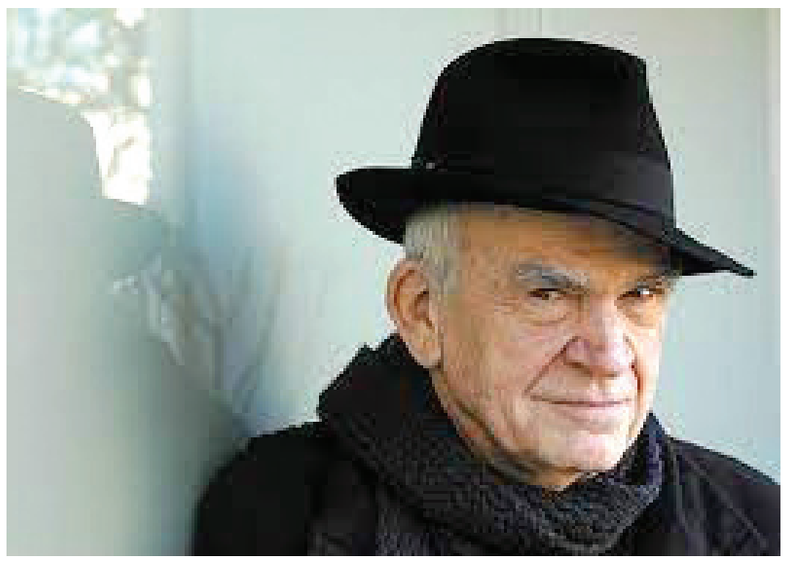

صفحه آرایی

واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان
سفارش می پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰ layout@khorasannews.com

بر گ سبز کامیون کشنده مدل ۲۰۱۹ به شماره انتظامی ۴۲-۳۳۱ع۸۴ به شماره موتور ۸۶۰۵۶۷ و شماره شاسی ۰۱۸۶۳۹ vf611a3f2kd بنام حسن ایمانی مفقود گردیده وفاقد اعتبار می باشد ۱۰۱۵۴۸

یک فقره سفته به مبلغ دو میلیارد ریال به شماره خزانه داری ۴۲۴۴۵۹ بنام امید فیروزیان مقدم در وجه شرکت شهریار کام مفقود شده و فاقد اعتبار می باشد. ۱۰۱۵۴۷

مدرک موقت رشته زیست شناسی سلولی مولکولی-ژنتیک از دانشگاه سیستان و بلوچستان به نام علیرضا بهنام ثانی با کدملی ۰۹۲۲۴۳۱۷۷۹ مفقود و فاقد اعتبار است . ۱۰۱۵۲۱

پاسپورت عراقی اینجانب ریاض عباس جبر مفقود و فاقد اعتبار است . از یابنده خواهشمند است به کنسولگری عراق تحویل دهد. ۱۰۱۵۲۰

برگ سبز هیوندا النترا مدل ۲۰۱۴ رنگ سفید به ش پلاک ایران ۳۲-۷۹۷و ۵۸ بنام حمیدرضا نیک بین گوارشک به ش شاسی KMHDH41EBEU974338 به ش موتور G4NBDU814452 مفقود و فاقد اعتبار است ۱۰۱۵۲۱

کارت خودرو پژو پارس سفیدمدل۹۴به نام صفری براتی شکوه ش پلاک ۱۲ ایران ۳۲۰۳۸۲ ش شاسی NAAN01CE2FH26060 و به ش موتور 124K0699007 مفقود گردیده است. ۱۰۱۳۸۶

برگ سبز خودرو پراید ۱۳۲ به شماره انتظامی ۳۲ ایران ۲۷۳ و ۵۶ ش شاسی S5E2000890013399 شماره موتور ۳۶۰۳۱۷۸ به نام مهدی حجتی مفقود و فاقد اعتبار است ۱۰۱۵۴۴

برگ سبز،سند کمپانی و کارت پراید GTX مدل ۸۳ به ش پلاک ۷۴-۲۶۹م۷۸ به ش موتور ۰۰۶۸۳۸۶۱ به ش شاسی S1412283216867 و شناسنامه و کارت ملی بنام مجید آراسته خور مفقود و فاقد اعتبار است ۱۰۱۵۴۳

سند کمپانی و مدارک موتور تیپ هندا مدل ۱۳۹۳ شماره تنه ۱۵۰H9332109 شماره موتور ۰۱۵۰N1U403178 شماره پلاک ۷۷۲-۶۴۹۳۱ به نام مرتضی مرادی مفقود گردیده و اعتبار ندارد ۱۰۱۵۴۲

اینجانب روح اله موذنی مالک خودرو پژو پارس به شماره انتظامی ۶۴ع۹۸۹ایران ۷۴ شماره بدنه NAAN51FA5BK231138 و شماره موتور ۱۳۴۹۰۰۰۱۶۵۷ به علت فقدان اسناد فروش(برگ سبز و سند کمپانی) تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد. ۱۰۱۵۰۰

برگ سبز اتومبیل سواری پراید جی تی ایکس مدل ۱۳۸۳ به رنگ مشکی متالیک و شماره پلاک ۸۸۸د۱۱ایران۳۸ و شماره موتور ۰۰۶۵۱۰۲۴ و شماره شاسی S1412282191212 به نام آقای محمد صادق بدیعی مفقود و از درجه اعتبار ساقط میباشد ۱۰۱۵۳۲

برگ سبز پژو پارس به ش پلاک ۳۷ ط۱۹۱ایران۱۲ شماره شاسی NAAN21CA0BK121949 شماره موتور ۱۲۴۹۰۱۱۷۴۹۵ به نام مریم بشردربندی سلفی مفقود و فاقد اعتبار است ۱۰۱۵۲۲

برگ سبز و سند کمپانی و کارت موتورسیکلت هندا CCI125 مدل ۹۰ زیگما به شماره انتظامی ۷۶۵-۹۳۲۹۲ شماره تنه ۹۰۰۳۸۵۵ شماره موتور ۲۹۸۴۱۱۸ بنام رسول احمدی مفقود وفاقد اعتبار است ۱۰۱۵۰۸

برگ سبز موتور سیکلت آپاچی RTR160 مدل۹۵سفید به شماره انتظامی ۸۵۹-۴۸۵۲۷ به شماره موتور 0E4EG2972758 و شماره شاسی MFG***160V9551102 بنام فرزاد مالداری مفقود گردیده وفاقد اعتبار می باشد ۱۰۱۵۰۳

برگ سبز خودرو سواری - هاچ بک اطلس مدل ۱۴۰۳ ش انتظامی ایران ۳۲- ۴۵۷ م ۹۷ ش شاسی NAS871100R100059 79 ش موتور M15I/5278731 بنام علیرضا مقصودی تاج آبادی مفقود شده و فاقد اعتبار است ۱۰۱۵۰۲

مدارک شناسایی اینجانب علی نقابی به شماره ملی ۰۹۴۵۱۴۲۵۷۹ از تاریخ ۱۴۰۳/۰۸/۰۲ اعم از کارت ملی هوشمند، شناسنامه، گواهینامه رانندگی، کارت پایان خدمت ، مفقود گردیده و فاقد اعتبار است ۱۰۱۵۰۱

مدرک دیپلم کاردانش رشته گاوداری صنعتی به شماره ۸۰/ ۴/ ۲۵ -۱۵۹ اینجانب علی دهنوی فرزند غلامعلی شماره شناسنامه۴۳ و کد ملی ۱۰۶۳۴۴۶۶۶۱ مفقود و فاقد اعتبار است ۱۰۱۵۴۰

برگ سبز خودرو پژو پارس به ش پلاک ۱۲-۳۲۹و۶۸ بنام کریم ابراهیمی راد به ش موتور B0000806 ۱۹۱ به ش شاسی NAAR434E4NJ247096 مفقود و فاقد اعتبار است ۱۰۱۵۲۰

برگ سبز MC ۲۰۷ اتومات مدل ۱۴۰۱ به ش پلاک ایران ۱۲-۳۲۹و۶۸ بنام کریم ابراهیمی راد به ش موتور B0000806 ۱۹۱ به ش شاسی NAAR434E4NJ247096 مفقود و فاقد اعتبار است ۱۰۱۵۲۰

اصل برگ سبز پراید SE111 مدل۱۳۹۳ شماره انتظامی ۴۲ایران ۴۱۶ق۷۱ به شماره موتور S2269255 وشماره شاسی NAS431100E5808125 بنام سید حسین علوی پورزو مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۱۴۸۰

برگ سبز پراید جی تی ایکس ای مدل ۸۶ به شماره پلاک ایران ۳۶-۸۶۹ج۹۴ به ش موتور S1412286074419 ۱۹۲۴۹۲۵ به ش شاسی بنام براتعلی اسماعیل زاده مفقود و فاقد اعتبار است ۱۰۴۲۸۱

اینجانب مهدی نبوی مالک خودرو پیکان مدل ۱۳۸۱ به شماره انتظامی ۱۲ ایران ۶۵۶ س ۷۸ شماره شاسی ۸۱۵۹۰۵۵۸ و شماره موتور ۱۱۱۵۸۱۸۷۵۳۲ به علت فقدان اسناد فروش (برگ سبز و سند) تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد. ۱۰۴۲۸۵

برگ سبز و کارت مشخصات موتورسیکلت پیشرو به شماره انتظامی ۷۷۸-۹۶۱۱۴ شماره تنه ۱۱۰۰۰۳ شماره موتور ۰۰۰۸۰۴ به نام سعید جلالی مفقود و فاقد اعتبار است ۱۰۴۵۷

برگ سبز خودرو به نام علیرضا دانشی گوارشکی به شماره انتظامی ۶۴ق۷۳۲ایران ۴۲ شماره شاسی ۲۰۱۳۹۰۸ شماره موتور M1349997 1 مفقود و فاقد اعتبار است ۱۰۴۵۶

برگ سبز اتوموبیل سواری دوو سی یلو مدل۱۳۷۸ به رنگ دودی و دارای شماره پلاک ۲۹۶ی۷۲ایران ۱۳ ودارای شماره موتور ۷۶۸۱۰۴ ودارای شماره شاسی IR7816500 9627 به نام آقای محمد عزیزی علویجه مفقود و از درجه اعتبار ساقط میباشد ۱۰۴۳۰

سند کمپانی و برگ سبز و کارت خودرو تویوتا کریسیدا مدل ۱۹۹۲ به ش پلاک ایران ۱۲-۹۸۳س۱۴ به ش شاسی ۰۰۲۷۰۶۶ بنام احمد اسفندیاری به ش موتور ۳۵۲۳۷۲۵ مفقود و فاقد اعتبار است ۱۰۴۲۹

کارت و سند کمپانی و کارت اتوبوس و برگ سبز اتوبوس بیابانی ولوو مدل ۸۱ ش انتظامی ایران ۸۵- ۹۴۳ ع ۷۴ ش شاسی ۰۱۰۵۷۴ ش موتور D12C255533 بنام حسین علی لیاقت مفقود شده و فاقد اعتبار است ۱۰۴۱۷